



رابطه بین خلاقیت و تمایل در بکارگیری الگوهای انطباقی تدریس

در معلمان تربیت بدنی استان کرمان

علی کروکی^۱، حمیدرضا صانعی^۲

^۱دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان
Ali.korouki@gmail.com

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیولوژی ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان
Hamidreza_sanei_1988@yahoo.com

چکیده

هدف این تحقیق بررسی رابطه بین خلاقیت و تمایل در بکارگیری الگوهای انطباقی تدریس در معلمان دوره متوسطه استان کرمان بود. روش تحقیق همبستگی و با استفاده از پرسشنامه بود. جامعه آماری شامل ۱۴۰ نفر معلم تربیت بدنی استان کرمان بود که به دلیل محدودیت جامعه آماری، نمونه آماری به صورت تمام شمار انتخاب گردید. ابزار تحقیق شامل یک پرسشنامه استاندارد الگوهای انطباقی تدریس استیبرگ و فینچ (۲۰۰۶) و پرسشنامه خلاقیت قهرمان تبریزی (۱۳۹۳) بود. در تحقیق حاضر پایایی پرسشنامه های مذکور توسط آزمون آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۹۴ و ۰/۸۳ بدست آمد. از آزمون آماری پیرسون جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده گردید. یافته ها نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین خلاقیت و تمایل در بکارگیری الگوهای انطباقی تدریس در معلمان تربیت بدنی استان کرمان و مولفه های آن وجود دارد.

کلمات کلیدی: خلاقیت، الگوهای انطباقی تدریس، معلمان، تربیت بدنی، کرمان

۱. مقدمه

همه پیشرفت های امروز ریشه در یادگیری انسان دارد. یادگیری فرایند تطابق و سازش با محیط است. این فرایند در همه جا به طور یکسان انجام نمی شود و فراگیران نیز به یک میزان و با یک سرعت نمی آموزند (احدی و همکاران، ۱۳۸۸). امروزه آموزش و پرورش و کسب مهارت های لازم در زمینه های تخصصی، به عنوان یک ضرورت اجتماعی از اهمیتی بالا برخوردار است. این اهمیت در ساختار اداری دو چندان می شود زیرا که نیروی انسانی به مدد آموزش توأم با پرورش خواهد توانست توانایی های بالای خود را در میدان عمل به ظهور برساند. فعالیت های آموزش و پرورش و نظام های حاکم بر آن با توجه به بستر فعالیت های هر سازمانی تعریف می شود. علاوه بر این، تحولات و فاصله زمانی هر تغییر و اصلاح ساختاری تاثیر بسزائی در شکل گیری فعالیت های آموزشی و بروز رسانی نظام های حاکم بر آن دارد (سیف، ۱۳۸۴؛ ۸۵).

سابقاً تدریس را درس دادن یا انتقال معلومات و تجارب معین از ذهن معلم به ذهن دانش آموزان تعریف می کردند. بر اساس این تعریف، وقتی معلم وارد کلاس می شد به فعالیت و سخن گفتن می پرداخت و فراگیران جز گوش دادن و اجرای

دستورها و یا انجام تکالیف تحمیلی او، وظیفه و نقشی نداشتند؛ لیکن امروزه تدریس را تحریک، راهنمایی، سازمان دادن یا درگیری فراگیران تعریف می کنند از این رو معلم تمرین را با سؤال شروع می کند مهمترین فرق این تعریف با تعریف قبلی، این است که در تعریف اخیر، معلم فقط نقش محرک و راهنما و سازمان دهنده دارد و فراگیر است که باید فعالیت کند؛ زیرا یادگیری وقتی در ست انجام می گیرد که با فعالیت یادگیرنده همراه با شد و یادگیری مطمئن و مؤثر، تنها هنگامی امکان پذیر است که یادگیرنده شخصاً فعالیت کند. از طرف دیگر در تدریس به این معنا، معلم نقش ضبط صوت متحرک را ایفا نمی کند بلکه وظیفه سنگین تر راهنمایی و سازماندهی را به عهده دارد. تدریس اثر بخش، یادگیری معنادار را نتیجه می دهد؛ یعنی یادگیری، وقتی اتفاق می افتد که برای فراگیران کاملاً معنادار باشد و یادگیری در صورتی معنادار خواهد بود که فراگیران علاوه بر شناخت مفاهیم و ارزش آن شخصاً در امر یادگیری سهیم بوده و نسبت به آن موضوع احساس نیاز نمایند (شعاری نژاد، ۱۳۶۸؛ ۶۴۹). در نهایت مجموعه فعالیت های از قبل طراحی شده و هدفمند معلم که وضعیت را برای تغییر و بهبود رفتار و کسب تجربه در دانش آموزان ایجاد کند الگوهای تدریس گفته می شود (یغما، ۱۳۷۸؛ ۸).

اصولاً برای اجرای هر برنامه ای لازم است ابتدا چارچوب و خط مشی کلی فعالیت ها مشخص گردد و سپس روش های اجرا و وسایل و امکانات مورد نیاز برای فعالیت و تحقق هدف های آموزشی، تعیین و انتخاب گردد (شعبانی، ۱۳۷۲؛ ۲۴۹). الگوی تدریس، چارچوب ویژه ای است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می تواند معلم را در اتخاذ روش های مناسب تدریس کمک کند (شعبانی، ۱۳۷۲؛ ۲۵۵). در فعالیت های یادگیری محور، دانش آموزان مختلف سبک های یادگیری متفاوتی دارند و معلم نیاز به استفاده فنون مختلف تدریس دارد. معلم باید بصورت یک به یک نیازهای دانش آموزان را ارزیابی نماید و در کلاس به گونه ای رفتار کند که تعامل برای دانش آموزان در فرایند یادگیری بسیار آسان گردد. در نهایت معلم باید به دنبال انعطاف پذیری باشد و دانش را به دانش آموزان منتقل کند (جویس و همکاران، ۲۰۰۰؛ ۳۹).

شیل (۱۹۸۹) معتقد است که مهمترین مسئولیت معلمان این است بفهمند که ذهن دانش آموزان چگونه کار می کند (بورسکی، ۲۰۰۴). یک معلم باید بداند که دانش آموزان به روش های متفاوتی از هم یاد می گیرند که این موضوع بیان کننده تفاوت سبک های یادگیری فراگیران است (بورسکی، ۲۰۰۴). از دیدگاه پیازه، هنگامی که معلمان چگونگی یادگیری و تفکر فراگیران را بفهمند این فهم معلمان را قادر می سازد تا اطلاعات مناسب را برای یادگیری دانش آموزان ارائه کنند (سیف، ۱۳۸۴؛ ۶۲). در این فرایند معلم نقش اصلی را ایفا می کند. تنها معلم خلاق است که می تواند روش ها و الگوهای مناسبی را برای تدریس تطبیق دهد. اما نکته قابل تامل آن است که هر آموزش و پرورش و هر معلمی نمی تواند این بار سنگین را به مقصد برساند. تنها آموزش و پرورش پویا، خلاق، متحول می تواند در تحقق این رسالت تاریخی خویش موفق باشد و این دقیقاً همان نیازی است که رهبران اندیشمند انقلاب اسلامی تحت عنوان «تحول بنیادین آموزش و پرورش» از آن یاد کرده است. هسته اصلی تحول در نظام آموزشی، هم چنان که مقام معظم رهبری تاکید کرده اند «خلاقیت است» بنابراین داشتن افرادی که توانایی پرورش پویایی و خلاقیت را دارند از اهمیت خاصی برخوردار است (بحرالعلوم، ۱۳۹۲). شناسایی سبک های یادگیری دانش آموزان و ایجاد سازگاری و انطباق الگوهای تدریس با سبک های یادگیری فراگیران دارای نقش و اهمیت فراوانی در اثر بخشی فرایندهای تدریس و یادگیری در نظام آموزشی است. بنابراین یکی از لازمه های رسیدن به این هدف مهم، معلمان می باشند که خلاقیت آنها می تواند بسیار تاثیرگذار باشد (جویس و همکاران، ۲۰۰۰؛ ۵۵). از آنجایی که الگوهای تطبیقی تدریس مبحث نوین در روش تدریس می باشد، تحقیقات اندکی در این زمینه انجام شده است و خلا پژوهشی، به ویژه در تربیت بدنی کاملاً حس می شود. نتایج تحقیقات نشان می دهد که سبک های یادگیری هر یک از معلمان بر روی تدریس آنان تأثیر می گذارد. آموزش دهندگان به طور طبیعی متمایل به روش تدریسی هستند که از چگونگی یادگیری آنها متأثر است. ارزیابی سبک تدریس معلمان، زمینه فهم سبک تدریس آنها را مهیا می کند. بسیاری از معلمان مطالب زیادی درباره شیوه های تدریس و سبک های یادگیری خود می توانند مدنظر داشته باشند تا رویکردهای تدریس خود برای کمک به دانش آموزان مؤثر واقع گردد (بورسکی، ۲۰۰۴). مرادی و باشکوه (۱۳۹۳) رابطه سبک های یادگیری با الگوی تدریس انطباقی را در دانش آموزان مقطع دبیرستان رشته ریاضی فیزیک شهر زنجان را در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ بررسی کرد و بیان کرد که بین تمام سبک های یادگیری با الگوی تدریس انطباقی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و سبک یادگیری همگرا به عنوان قویترین عامل در

پیش بینی الگوی تدریس انطباقی بود (احدی و همکاران، ۱۳۸۸). کریمی موقی و همکاران (۱۳۸۸)، در تحقیق خود نشان دادند که بر حسب محتوا و شرایط آموزشی، دانشجویان از سبک های گوناگون و در مواردی ترکیبی از آنها استفاده می کنند و سبک های یادگیری دانشجویان تحت تأثیر سبک های تدریس و یاددهی مربیان است. یافته های تحقیقی قلیزاده و احقر (۱۳۹۱) نشان داد که انواع سبک های یادگیری واگرا، همگرا، جذب کننده و انطباقی یابنده بر خودکارآمدی دانش آموزان تأثیر داشته و میزان خودکارآمدی دانش آموزانی که از سبک واگرا استفاده می کنند به طور معنی داری بیشتر از سبک های همگرا و جذب کننده است. همچنین در آن تحقیق بین سبک یادگیری و رشته تحصیلی، روش تدریس گروهی و تدریس نمایشی ارتباط معنی دارد وجود داشت. صالحی و همکاران (۲۰۰۰) (به نقل از احدی و همکاران، ۱۳۸۸) دریافتند که بین روش های آموزشی و سبک های یادگیری ارتباط معنی داری وجود دارد. عملکرد تدریس انطباقی متکی بر خلاقیت معلمان است. چرا که خلاقیت معلمان تربیت بدنی در پیشرفت یادگیری تمرین دانش آموزان نقش مهمی دارد (تویت، ۲۰۱۳). لذا با توجه به اینکه از راه های ثمر بخش و مواجهه مناسب با پیچیدگی های یادگیری دانش آموزان، استفاده از الگوی تدریس انطباقی است. بر این اساس با توجه به اهمیت هماهنگی بین خلاقیت معلمان و الگوی تدریس انطباقی پذیر با شرایط یادگیری دانش آموزان- که در موارد بالا طرح شد- هرچه معلمان از الگوهای تدریس انطباقی پذیر در یادگیری دانش آموزان استفاده کنند باعث یادگیری سریعتر و اثربختر آنها در ورزش خواهند شد و از آنجایی که انجام این تحقیق بر دوره ابتدایی قابل انجام نبود بنابراین دوره متوسطه برای جامعه آماری برگزیده شد. لذا هدف اصلی این تحقیق بررسی رابطه بین خلاقیت و تمایل در بکارگیری الگوهای انطباقی تدریس در معلمان تربیت بدنی دوره متوسطه استان کرمان است.

۲. روش شناسی

این تحقیق، تحقیقی کاربردی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری شامل کلیه معلمان متوسطه (راهنمایی و دبیرستان) استان کرمان به تعداد ۱۴۰ نفر بود که به دلیل محدودیت جامعه آماری، روش نمونه گیری به صورت تمام شمار انتخاب گردید. ابزار تحقیق، پرسشنامه ۸ سوالی استاندارد الگوهای انطباقی تدریس استیزبرگ و فینچ (۲۰۰۶) و پرسشنامه ۲۱ سوالی خلاقیت قهرمان تبریزی (۱۳۹۳) با طیف اندازه گیری پنج ارزشی لیکرت بود که کوتاه شده پرسشنامه خلاقیت رندسیپ می باشد. در تحقیق حاضر، پایایی پرسشنامه های مذکور توسط آزمون آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۹۴ و ۰/۸۳ بدست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف استفاده شد که نشان داد توزیع داده ها نرمال و طبیعی می باشد بنابراین از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید.

۳. یافته ها

نتایج بدست آمده از معلمان تربیت بدنی دوره متوسطه استان کرمان بود که ۶۸ درصد آنها بیش از ۴۰ سال سن و ۵۴ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه خدمت داشتند. ۹۳ درصد آنها متأهل و ۶۷ درصد آنها دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد بودند.

جدول ۱ - توصیف اطلاعات نمونه آماری

سن	تعداد	درصد	سابقه کار	تعداد	درصد
کمتر از ۳۰	۴	۳	کمتر از ۵ سال	۳	۲
بین ۳۰ تا ۴۰	۵۹	۴۲	بین ۵ تا ۱۰ سال	۲۴	۱۷
بیش از ۴۰	۶۸	۴۹	بین ۱۰ تا ۲۰ سال	۵۴	۳۹
بی پاسخ	۹	۶	بیش از ۲۰ سال	۴۵	۳۲
مجموع	۱۴۰	۱۰۰	بی پاسخ	۱۴	۱۰
			مجموع	۱۴۰	۱۰۰

نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه اول حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین خلاقیت و فعالیت های یادگیری محور می باشد. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه دوم حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین خلاقیت و ارزیابی نیازهای دانش آموزان می باشد. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه سوم حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین خلاقیت و مشارکت در فرایند یادگیری می باشد. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه چهارم حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین خلاقیت و انعطاف پذیری برای توسعه شخصی می باشد. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه پنجم حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین خلاقیت و تمایل در بکارگیری الگوهای انطباقی تدریس در معلمان می باشد.

جدول ۲ - نتایج آزمون فرضیه ها

خلاقیت					متغیرها
نوع رابطه	وجود رابطه	تعداد	سطح معناداری	آماره پیرسون	
مثبت	دارد	۱۴۰	۰/۰۰۱	۰/۸۰۹	فعالیت های یادگیری محور
مثبت	دارد	۱۴۰	۰/۰۰۱	۰/۹۰۶	ارزیابی نیازهای دانش آموزان
مثبت	دارد	۱۴۰	۰/۰۰۲	۰/۵۹۱	مشارکت در فرایند یادگیری
مثبت	دارد	۱۴۰	۰/۰۰۹	۰/۷۰۱	انعطاف پذیری برای توسعه شخصی
مثبت	دارد	۱۴۰	۰/۰۰۴	۰/۷۵۹	تمایل در بکارگیری الگوهای انطباقی تدریس

۳. نتیجه گیری

نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه اول حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین خلاقیت و فعالیت های یادگیری محور در سطح معناداری (۰/۰۵) می باشد. احتمالاً دلیل آن اینست که خلاقیت و نوآوری در اجرای روش های یادگیری محور بر دانش آموزان تاثیرگذار باشد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات مرادی و با شکوه (۱۳۹۳) همسو می باشد. آنها در تحقیق خود چنین بیان کردند که بین تمام سبک های یادگیری با الگوی تدریس انطباقی رابطه ی مثبت و معنی داری وجود دارد و سبک یادگیری همگرا به عنوان قویترین عامل در پیش بینی الگوی تدریس انطباقی بود. محققان معتقدند عدم همخوانی سبک های یادگیری فراگیران با رشته تحصیلی آنان موجب دلسردی، عدم موفقیت و در نهایت منجر به انصراف از تحصیل می گردد. دلیل همخوانی نتایج تحقیقات حاضر را می توان ماهیت کاری یکسان اذعان نمود. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه دوم حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین خلاقیت و ارزیابی نیازهای دانش آموزان (۰/۰۵) می باشد. احتمالاً دلیل آن اینست که برای شناسایی نیازهای دانش آموزان در دوران تحصیلی آنها نیاز به ذهن خلاق و روش های خلاقانه معلمان دارد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات کریمی مونقی و همکاران (۱۳۸۸) همسو می باشد. آنها در تحقیق خود نشان دادند که بر حسب محتوا و شرایط آموزشی، دانشجویان از سبک های گوناگون و در مواردی ترکیبی از آنها استفاده می کنند و سبک های یادگیری دانشجویان تحت تأثیر سبک های تدریس و یاددهی مربیان است. دلیل همخوانی نتایج تحقیقات مذکور را می توان جامعه آماری مشابه و ماهیت یکسان تحقیقات اذعان نمود. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه سوم حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین خلاقیت و مشارکت در فرایند یادگیری دانش آموزان (۰/۰۵) می باشد. احتمالاً دلیل آن اینست که حضور معلم با ذهن خلاق در روند یادگیری دانش آموزان باعث شناسایی مشکلات یادگیری دانش آموزان می شود که جهت رفع آن مشکلات اقدام می نماید. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات قلیزاده و احقر (۱۳۹۰) همسو می باشد. آنها در تحقیقات خود نشان دادند که انواع سبک های یادگیری واگرا، همگرا، جذب کننده و انطباق یابنده بر خودکارآمدی دانش آموزان تأثیر داشته و میزان خودکارآمدی دانش آموزانی که از سبک واگرا استفاده می کنند به طور معنی داری بیشتر از سبک های همگرا و جذب کننده است. دلیل همخوانی نتایج تحقیقات مذکور را می توان ماهیت کاری یکسان و جوامع آماری یکسان اذعان کرد. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه چهارم حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین خلاقیت و انعطاف پذیری برای توسعه شخصی دانش آموزان (۰/۰۵) می باشد. دلیل احتمالی آن اینست که معلم الگوی دانش آموز است و یک معلم خلاق می تواند با رفتار و برخوردهای خود الگوی مطلوب و مورد تایید دانش آموزان گردد که این می تواند سبب توسعه فرهنگ شخصی دانش آموزان گردد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات صالحی و همکاران (۲۰۰۰) همسو می باشد. آنها در تحقیقات خود دریافتند که

بین روش های آموزشی و سبک های یادگیری ارتباط معنی داری وجود دارد. عملکرد تدریس انطباقی متکی بر خلاقیت معلمان است. چرا که خلاقیت معلمان در پیشرفت تحصیلی و همچنین شخصیتی دانش آموزان نقش مهمی دارد. دلیل همخوانی نتایج تحقیقات مذکور را می توان بررسی شیوه های تدریس در مدارس اذعان کرد. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه پنجم حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین خلاقیت و تمایل در بکارگیری الگوهای انطباقی تدریس در معلمان (۰/۰۵) می باشد. دلیل آن احتمالاً اینست که معلمان که دارای ذهن خلاق هستند برای بکارگیری الگوهای انطباقی تدریس مشکلات کمتری در پیش روی دارند و چه بسا که از استفاده این شیوه های نوین لذت می برند. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات کریمی مونقی و همکاران (۱۳۸۸) هم سو می باشد. آنها در تحقیق خود نشان دادند که بر حسب محتوا و شرایط آموزش، دانشجویان از سبک های گوناگون و در مواردی ترکیبی از آنها استفاده می کنند و سبک های یادگیری دانشجویان تحت تأثیر سبک های تدریس و یاددهی مربیان است. همچنین با یافته های تحقیقی قلیزاده و احقر (۱۳۹۰) همسو می باشد. آنها نیز نشان دادند که انواع سبک های یادگیری واگرا، همگرا، جذب کننده و انطباق یابنده بر خودکارآمدی دانش آموزان تأثیر داشته و میزان خودکارآمدی دانش آموزانی که از سبک واگرا استفاده می کنند به طور معنی داری بیشتر از سبک های همگرا و جذب کننده است. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق نجفی، کریمی و جمشیدی (۱۳۸۸) تا حدودی همسو می باشد. آنها بیان کردند که سبک یادگیری اکثر دانشجویان سبک همگرا بوده و پس از آن سبک یادگیری جذب کننده در مرتبه بعدی قرار دارد. همچنین در آن تحقیق بین سبک یادگیری و رشته تحصیلی، روش تدریس گروهی و تدریس نمایشی ارتباط معنی دارد وجود دارد.

مراجع

۱. احدی، فاطمه؛ عابد سعیدی، ژیلا؛ ارشدی، فرخ و قربانی، راهب. ۱۳۸۸، سبک یادگیری دانشجویان پرستاری، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان.
۲. بحر العلوم، حسین. ۱۳۹۲، ارتباط بین فرهنگ سازمانی و سبک مدیریت با رضایت شغلی معلمان تربیت بدنی استان تهران، رساله دکتری دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده تربیت بدنی.
۳. جوپس، بروس و همکاران. ۲۰۰۰، الگوهای تدریس، ترجمه محمدرضا بهرنگی. نشر: تهران.
۴. سیف، علی اکبر. ۱۳۸۴، روانشناسی پرورشی. تهران: نشر آگاه.
۵. شعاری نژاد، علی اکبر. ۱۳۶۸، مبانی روانشناختی تربیت، نشر: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران.
۶. شعبانی، حسن. ۱۳۷۲، مهارت های آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس)، انتشارات سمت، چاپ دوم.
۷. قلی زاده، رقیه. قدسی، احقر. ۱۳۹۱، بررسی سبک های یادگیری در تبیین خودکارآمدی دانش آموزان دوره متوسطه، مجله اندیشه های نوین تربیتی، دوره ۸، شماره ۳، صص: ۶۷-۸۴.
۸. کریمی مونقی، حسین. دباغی، فاطمه. اسکویی، فاطمه و جولکان. کاتری ویلینن. ۱۳۸۸، سبک یادگیری دروس نظری: تجارب و درک دانشجویان پرستاری، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، دوره ۹، شماره ۱، صص: ۴۱-۵۴.
۹. مرادی، مسعود. باشکوه اجیرلو. ۱۳۹۳، رابطه سبک های یادگیری با الگوی تدریس انطباقی، مجله روانشناسی مدرسه، بهار ۱۳۹۳، دوره ۳، شماره ۱، صص: ۱۰۱-۱۱۵.
۱۰. نجفی کلیانی، مجید. کریمی، شهناز. جمشیدی، ناهید. ۱۳۸۸، مقایسه سبک های یادگیری و روش های ترجیحی تدریس دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی فسا. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۸۹-۹۴.
۱۱. یغما، عادل. ۱۳۷۸، کاربرد روش ها و الگوهای تدریس. نشر تهران.
12. Burskey, Cynzthia, M. (2004). Assessment of learning styles at the Eastern Caribbean Institute of agriculture and identification of teaching methods used by instructors. Thesis of Agricultrre at West Virginia University.
13. Tweet, Susis. MC. Gee. (2013). How to practice adaptive teaching, www.nea.org/index.html

Relationship between creativity and willingness to apply adaptive teaching patterns in physical education teachers of Kerman province

Ali Korooki

Department of Physical Education, Faculty of Literature and humanities,
University of Islamic Azad University, Address, Iran, E-mail:
ali.korouki@gmail.com

Hamidreza Sanei

Department of Physical Education, Faculty of Literature and humanities,
University of Islamic Azad University, Address, Iran, E-mail:
hamidreza_sanei_1988@yahoo.com

Abstract. The purpose of this study was to investigate the relationship between creativity and willingness to apply adaptive teaching patterns in high school teachers in Kerman province. The research method was correlation and using a questionnaire. The statistical population consisted of 140 physical education teachers in Kerman province. Due to the limited statistical population, the statistical sample was selected as the total number. The research instrument consisted of a standard questionnaire adaptive teaching style of Styzorg and Finch (2006) and Tabriz's Hero Creator Questionnaire (1393). In the present study, the reliability of the questionnaire was 0.894 and 0.83, respectively, by Cronbach's alpha test. Pearson statistical test was used to analyze the data. The findings showed that there is a positive and significant relationship between creativity and the willingness to apply adaptive teaching patterns in physical education teachers of Kerman province and its components.

Keywords: Creativity, Adaptive Teaching Patterns, Teachers, Physical Education, Kerman.